

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

پیدایش عامل افغانستان در مجموعه روابط بین‌المللی مدرن با پاهای شکسته که نمی‌توان در مسابقه دوش شرکت ورزید آنها بمثابة مهره‌های سوخته جمهوری پنداشته می‌شوند

ضرورت برخوردار بودن از استقلال مالی و فرصت شغلی
چگونگی تأثیرگذاری منفی بر کمربند مناطق قبایلی
بدورانداختن عقبه تاریخی و مدنی خودی
تلاش بمنظور پایان دادن بانزوای جهانی

سیاست نگاه بشرق در سال‌های پسین تبدیل بیکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی برخی از کشورهای گردیده است. دانشمندان روابط بین‌المللی معتقدند که نظام بین‌المللی کنونی بر بنیاد اصل انارشی یا فقدان قدرت مرکزی اداره می‌شود. ما عموماً انارشی را بوضعیت هرج و مرج و بی‌نظمی اطلاق می‌نماییم. بسیاری از مشکلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور عزیز ما افغانستان از بافت سنتی و پیسته آن نشأت نموده است. بر این بنیاد، تمامی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ما هیت خود، از روند جدید و شیوه معمول دینی کنونی فاصله دارند. نظام سیاسی افغانستان از حیث نهادهای سیاسی و اداری، وضعیت بدی را سپری می‌نماید. بر این بنیاد، ساختار بشدت ساده، کهنه و ناکارآمدی دارد. در این زمینه، بخشی از مشکلات به خاطر فقدان تخصص نیروها و بخش دیگر نبود سازماندهی درست و عدم امکانات لازم است. ایده "عدالت" و "آزادیخواهی" هم در افغانستان تاریخ دیرینه‌ای دارد. این ایده‌ها پیش از ایندوره، در قالب عدالتخواهی و مشارکت طلبی اقوام در برابرسلطه حاکمان مستبد در کشور بود. شرایط جدید یا افغانستان نوین با سرنگونی حاکمیت استبداد ی "طالب" ها، نخستین مرحله از دموکراسی سازی خویش را آغاز نمود. در این مرحله، شرایطی بوجود آمد که حاکمیت "طالب" ها از هم فرو پاشید. بسیاری از دموکراسی‌ها را ایده غربی پنداشته که اغلب بمنظور مشابه سازی کشورهای دیگر با ارزشهای غربی تمرین میشود. این ایده گاهی فقط بمثابة طرحی برای تبدیل روال حکومتداری از استبداد ادبه مشارکت و گاهی هم بمثابة شمشیر برای سيطرة ایدئولوژی لیبرالی بکار می‌رود.

قبل از همه، تذکر این مسأله از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد که از آغاز دهه ۹۰ سده ۲۰، شکل‌گیری نظام جدید روابط بین‌الدول آغاز گردید. بحث حاضر را همچنان ادامه داده و بگونه عمده، نقش و جایگاه کشور عزیز ما افغانستان را در مجموع سیستم معاصر بین‌المللی، بویژه در امتداد زمانی سه دهه پسین درگیری‌های مسلحانه در سرزمین و اراضی آن که با حادترین تقابل‌های سیاسی و ایدئولوژیک همراه بود، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم. یاددهانی این مسأله را نباید فراموش نمود که دولت‌ها در مجموع، مسؤلیت سازماندهی و تهیه سهولت‌های زندگی سایر شهروندانی را که در محدوده سرزمین آن بسر می‌برند، برعهده داشته، بایجاد سیستم‌ها و نهادهای دفاع از حقوق بشرموظف بوده، مناسبات اجتماعی میان شهروندان را بر بنیاد قانون و با در نظر داشت حقوق آنها نیز نظم می‌بخشد. هر کشوری از حاکمیت سیاسی و ضوابط منحصر بفردی بمنظور نگهداری و دفاع از ارزشهای دولتی و حفظ نظم و قانون و سنن ملی برخوردار می‌باشند که بر بنیاد آنها می‌توان همه حاکمیت‌های سیاسی جهان را از هم تفکیک نمود. در امتداد سده پسین، وضعیت و چگونگی حاکمیت‌ها به پنج دسته تقسیم می‌گردند که عبارتند از حالت بحرانی، دولت‌های شکست خورده، خطرناک، دولت‌های در معرض خطر،

دولت های پایدار و دولت های پایدارترین. بخاطر باید داشت که کشورهای شکست خورده بزرگترین خطر را در مجموع در قبال وضعیت بین المللی در خود نهان دارند. بازتاب موضوعات ذکر شده، این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که حوادث ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده ثابت کرد که حاکمیت در کشورهای شکست خورده، از جمله در افغانستان آنقدر ضعیف و ناتوان است که هر قدرت دیگری می تواند آنرا متصرف گردد.

بخاطر باید داشت که از دگر دیسی های ثور ۵۷ و پس از آن، از ورود نظامیان شوروی بکشورما، استفاده ابزاری بعمل آمده و در عین زمان، وضعیت اینچینی، غم انگیزترین پیامدها را برای افغانستان و شهروندان آن بارمغان آورد. در آغاز سال های ۶۰ سده پار، کشورما در مسیر اصلاحات دموکراتیک، عصری سازی اقتصاد و... گام گذاشت، اما روند آغاز شده در نتیجه خیزش مسلحانه نظامیان کشور متوقف گردید. بجرم اقدامات و در نتیجه عملکردهای غرب، درگیری های مسلحانه در کشور شعله ور گردیده، اقتصاد کشور مبدل باقتصاد جنگی و بگونه یکجانبه متکی به شوروی گردید.

مقوله دولت شکست خورده توسط مخالفان سیاست خارجی و اشننگتن مورد انتقاد جدی قرار گرفت، آنها استدلال می نمایند که بر بنیاد مقوله یاد شده، ایالات متحده بخود اجازه داده و این حق را برایش محفوظ می دارد تا اقدامات مسلحانه اش علیه کشورهای مستقل را تحت عنوان "مداخلات بشردوستانه" توجیه نماید. اما واقعیت امر در مورد کشور عزیزما افغانستان اندکی متفاوت بنظر می رسد، چه، سقوط و فروریزی کامل حاکمیت سیاسی در کشورما نه به دلیل موجودیت فاکت های یاد شده، بلکه حاصل و دستاورد مستقیم مداخله خارجی ها در سرآغاز سده ۲۱ پنداشته می شود.

معضل موجودیت دولت های شکست خورده، واقعیت جدید نمی باشد، اما تاکنون هم راهها و وسایل حل و فصل مشکل یاد شده اصلن دستیاب نگردیده است. در مورد یاد شده نشست ها و گفتگوهای انجام پذیرفته و بحث های براه انداخته شده است، اما تاکنون به عملکرد قاطعی در زمینه مبادرت بعمل نیآمده و با وجود تلاش های ایالات متحده، چگونگی اوضاع در کشور بهتر نگردیده، بلکه روزتاروز متشنج می گردید.

نباید فراموش خاطرما شود که بسیاری از کشورهای جهان، از دول و حکومت های ضعیف بنفع خودشان سود می برند، عده دیگر نیز بدلیل هراس از موجودیت بی ثباتی و تهدیدهای ناشی از آن در کشورهای یاد شده، از ایجاد و برقراری مناسبات دیپلماتیک با آنها ابا می ورزند. در بسیاری از سرزمین ها و اراضی متعلق به حاکمیت های شکست خورده، حکومت های جدیدی پابعرصه وجود گذاشته و اما تا کنون هم از جانب جامعه بین المللی برسمیت شناخته نشده اند.

از اینرو، موقعیت حکومت های شکست خورده بویژه در عرصه جهانی، خیلی لرزان بوده و نحوه نگرش در قبال آنها بدلیل بی ثباتی در داخل دولت های یاد شده شکل می گیرد. کشور عزیزما افغانستان بویژه پس از کودتای سال ۱۳۵۲ خورشیدی، بتدریج بیک کشور شکست خورده یا بیک "سیاه چاه" جامعه جهانی مبدل گردیده و در حال تبدیل شدن بعرصه درگیری نیروهای سیاسی داخلی بوده کاز جمله عوامل هرج و مرج در کشور پنداشته می شود. نباید فراموش نمود که با تکوین حوادث اتفاقیه، دولت و حاکمیت سیاسی در کشور عملن از میان رفته و در مجموع، از موضوع مورد بحث در روابط بین الملل بمثابه مسأله ایی در بازی های ژئوپولیتیک مبدل گردید.

توسعه و انکشاف وضعیت کشورما که با تداوم درگیری های نظامی - سیاسی و با تشدید رویارویی های مسلحانه و بدتر شدن وضعیت بشری مشخص می گردد، بنحوی از انحأ و بشکلی از اشکال، در خارج از محدوده کشور نیز، اسباب دامنه گیری تروریسم بین المللی، نقض صریح حقوق بشردوستانه بین المللی و تجارت غیرقانونی مواد مخدر را فراهم نمود که میتوان همه موارد یاد شده را بمثابه سبب ساز تضعیف جامعه جهانی پنداشت. اما جامعه جهانی بایست تأثیرگذاری و مؤثریتش را بیش از هر زمان دیگر در کشورما وسعت بخشیده و با استفاده از وسایل و امکانات موجود، "طالب"ها را متقاعد نمایند تا بیش از این، از ریختن خون شهروندان کشور جلوگیری بعمل آورده و بدنبال دستیابی براهای حل سازشکارانه بمنظور رفع معضلات بین الافغانی سعی و تلاش ورزند تا مسایل موجود در کشور بگونه قابل پذیرش برای همه شهروندان کشور حل و فصل گردد.

این واقعیت بهمگان واضح و مبرهن می باشد که پس از فراخواندن نظامیان انتلاف برهبری ایالات متحده، در امتداد ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی از سرزمین و اراضی کشور عزیزما، ستراتیژی افغانی ایالات متحده دستخوش تغییر شده و کم هزینه تر گردید تا فرصت های جدیدی را در زمینه تأثیرگذاری بر رژیم "طالب"ها بدست آورد. اما طرف های نیدخل منطقه در دام تهدید های جدید تروریستی مستقر در کشورما گرفتار شدند.

قابل تذکر پنداشته می شود که در امتداد ماهای پسین، واشنگتن به تداوم موفقانه سیاست "شلاق و نان شیرین" مبادرت ورزید. فضای کابل بگونه کامل تحت نظارت و دید همیشگی هوآپیماهای بدون سرنشین سی آی ای ایالات متحده قرار داشته و بگونه دلخواه، عملیاتی را علیه اهداف مورد نظر انجام می دهند. همزمان با آن، فرستاده های سی آی ای با همکاری و کمک کارمندان وزارت امور خارجه ایالات متحده، دوران نظار اجتماعی، گفتگوهای را با چهره های مختلف تأثیرگذار سلسله مراتب "طالب" ها چه در کابل و چه در خارج از محدوده آن انجام می دهند. ملاقات و گفتگوهای اینچنینی، مدتی قبل در قطر، در کشوری که همیشه بمتابۀ میانجی میان واشنگتن و "طالب" ها شناخته می شود، انجام پذیرفت. در مذاکرات و دیدارهای یاد شده داوید کوهن معاون رئیس سیا، توماس اویست نماینده ویژه ایالات متحده در امور مربوط بکشورما و ملا عبدالحق وثیق آمراسخبارات "طالب" ها شرکت ورزیدند. بر بنیاد منابع مطلع و آگاه در کابل، میان شرکت کننده های ملاقات یاد شده در مورد مبارزه مشترک علیه داعش و "القاعده" در صفحات شمال کشور، به توافقاتی دست یافتند. بر این بنیاد، میان طرف های شرکت کننده توافق بعمل آمد تا در صفحات شمال کشور صدها تن از مریدان امریکایی جابجا شده و بآموزش گروه های "ضدتروریستی" "طالب" ها بگونه غیر مستقیم در نزدیکی کشورهای آسیای مرکزی و همجواریا قلمرو فدراسیون روسیه مبادرت ورزند. اما بمشکل بتوان حدس زد که زیر پوست ادعای "مبارزه علیه داعش"، میان گروه های عملیاتی ایالات متحده و همکاران "طالب" آنها در شمال کشور، چه زد و بندهایی در شرف تکوین می باشد.

از جانب دیگر، مولوی هبت الله اخوند زاده، رهبر "طالب" ها ضمن افشاگری های هیجان انگیزی در جمعی از علما یاد آور گردید کاستقرار و اجرای بی چون و چرای شریعت، بمتابۀ نخستین و مهمترین وظایف و رسالت های جهاد "طالب" ها محسوب می گردد.

بر بنیاد اظهارات نامبرده، "طالب" ها و علمای افغان در آینده ها، مؤلف بهدایت جهان بر بنیاد شریعت پنداشته می شوند. سخنان و اظهارات نامبرده، بگونه واضی توجیه کننده این مسأله پنداشته می شود که جهاد جنگجویان گروه یاد شده، اصلن محدود به مرزهای کشور نخواهد بود.

افشاگری های هیجان انگیز مولوی هبت الله اخوند زاده که مدتی قبل، بمتابۀ تیزس های بیانیۀ نامبرده در بخش هایی از کشور بنشر رسید، مورد تردید بسیاری از سیاستمداران، دیپلومات ها و کارشناسان قرار گرفت. بر بنیاد اظهارات نامبرده، در تفاوت با "دولت اسلامی" (داعش)، "طالب" ها در نظر دارند تا بایجاد و تحکیم "سیستم اسلامی" در داخل محدوده کشور مبادرت ورزند، وی ادامه داده افزود کآنها هیچگاهی در صدد صدور جهاد بخارج از محدوده قلمرو افغانستان نمی باشند، بنابراین باید با "طالب" ها در اجرای امور همکاری های لازمی صورت گیرد.

در بیانیۀ نامبرده، بگونه ای از تشکیل و ایجاد "حاکمیت فراگیر" در کشور امتناع بعمل آمده و در مورد یاد شده، "طالب" ها بگونه مکرری با نماینده های سازمان ملل، ایالات متحده، روسیه، چین، ایران، پاکستان، هند، اتحا دیۀ اروپا و جمهوری های آسیای میانه تماس گرفته و موضوعات مربوط به مسأله فوق را در میان گذاشتند. این مسأله جالب و قابل توجه پنداشته می شود که برخی از دیپلومات های امریکایی و روسی در مورد یاد شده، موقف و موضع خوشبینانه ای را اختیار و در پاسخ بافکار اجتماعی اظهار نمودند که "طالب" ها دیر یا زود بایجاد حاکمیت فراگیر با شرکت و سهمگیری نماینده های گروه های بزرگ قومی و ملی در افغانستان توافق بعمل خواهند آورد. اما مولوی هبت الله اخوند زاده با صراحت خاطر نشان نمود که همه امید ها و آرزومندی های یاد شده در مجموع، بیپوده بوده و غیر قابل عملی پنداشته می شود.

در عین زمان، نامبرده در بیانیۀ اش مسایلی را در مورد مدل حاکمیتی که وی قصد ایجاد آنرا دارد، نیز ارائه نمود. بر بنیاد اظهارات نامبرده، "شریعت واقعی" صرف می تواند با همکاری مشترک شخصیت های دولتی "طالب" ها و علماً تطبیق و اجرا گردد، وی همچنان ادامه داده افزود که ضرورت بررسی و نظارت از اصول مربوط به "سیستم اسلامی" بدون سهمگیری و شرکت علماً اصلن امکان ناپذیر می باشد. چه، بویژه زمانی که "طالب" ها در مواردی به مشکل و معضلی مواجه می گردند، بمنظور حل و فصل آن به علماً مراجعه خواهند.

شنبه ۱۲ ماه حمل سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با اول ماه اپریل سال ۲۰۲۳ ترسایبی